

به نام خدا

**بررسی و تحلیل تلمیح در اشعار
سیاوش کسرای، هوشنگ ابتهاج،
نادر نادر پور، محمدرضا شفیعی کدکنی**

مؤلف :

آسیه خزاعی

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۴)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

Chaponashr. Ir

سرشناسه: خزاعی، آسیه، ۱۳۶۱
عنوان و نام پدیدآور: بررسی و تحلیل تلمیح در اشعار سیاوش کسرایی، هوشنگ ابتهاج،
نادر نادر پور، محمدرضا شفیعی کدکنی / مولف آسیه خزاعی
مشخصات نشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۴.
مشخصات ظاهری: ۱۶۲ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۵۵-۶۳۹-۴
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه.
موضوع: بررسی و تحلیل - تلمیح - اشعار
رده بندی کنگره: TP ۹۸۳
رده بندی دیویی: ۵۵/۶۶۸
شماره کتابشناسی ملی: ۹۹۷۶۵۸۸
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: بررسی و تحلیل تلمیح در اشعار سیاوش کسرایی، هوشنگ ابتهاج، نادر نادر پور،
محمدرضا شفیعی کدکنی
مولف: آسیه خزاعی
ناشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۴
چاپ: زیرجد
قیمت: ۱۶۲۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۵۵-۶۳۹-۴
تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



فهرست

فصل اوّل: کلیّات	۱۱
مقدمه	۱۱
شرح و بیان مسأله تحقیق	۱۱
فصل دوّم: تلمیح (مبانی نظری)	۱۳
تلمیح در لغت	۱۳
جایگاه تلمیح در علم بلاغت	۱۳
تلمیح در ادب فارسی	۱۵
اقسام تلمیح	۱۵
تلمیحات اسلامی (دینی)	۱۵
تلمیحات ملی و حماسی	۱۶
تلمیح تاریخی	۱۶
نمونه ای تلمیح تاریخی (آرش به روایت سیاوش کسرایی)	۱۶
انواع دیگر	۱۸
اهداف شاعران از کاربرد تلمیحات	۱۸
طبقه‌بندی موضوعی تلمیح	۱۹
فصل سوّم: تحلیل فضای فکری شعر معاصر (جریانات فکری شعر معاصر)	۲۱
مقدمه	۲۱
نوع نگاه شاعران نسبت به اوضاع سیاسی-اجتماعی	۲۱
سیاوش کسرایی	۲۲
فضای فکری و مضمون شعر کسرایی	۲۲

۲۷ هوشنگ ابتهاج
۲۷ فضای فکری و مضمون شعر هوشنگ ابتهاج
۲۸ تخلص « سایه » را چگونه دید؟
۲۸ دیدگاه محمدرضا شفیعی کدکنی در هنر هوشنگ ابتهاج
۳۰ نادر نادرپور
۳۰ فضای فکری و مضامین شعری نادر نادرپور
۳۳ فضای فکری و مضامین شعر محمدرضا شفیعی کدکنی
۳۶ تحقیق و اسلوب کار شفیعی در مورد شخصیت ها و انسان
۳۷ شوق به زیبایی شناختی
۳۸ از فقه تا اصول
۳۹ شاعری با تخلص « سرشک »
۴۱ فصل چهارم: ارتباط بین تلمیح و اوضاع اجتماعی
۴۱ مقدمه
۴۲ نماد و شعر سیاسی
۴۳ موقعیت شعر نیمایی
۴۳ بازتاب مسائل اجتماعی در شعر هوشنگ
۴۵ جریان نوگرایی اعتدالی در شعر
۴۶ شعر و شاعران سنت گرا
۴۶ از نسل اول شعر نیمایی
۴۸ نسل دوم شعر نیمایی
۴۸ مقایسه شعر و زبان شفیعی کدکنی با شاعران نسل قبل نیمایی (کسرای و سایه)
۴۸ از جمله ویژگی های شعری شفیعی کدکنی از شاعران نسل دوم نیمایی
۴۹ ویژگی نقد شفیعی در جریان های ادبی دهه ی اخیر

۴۹	شعر نو از سیاست به مهاجرت.....
۵۰	شعر نو از سیاست به فردیت.....
۵۰	«سیاه مشق» رمز اجتماعی ابتهاج.....
۵۱	انعکاس مسایل اجتماعی و سیاسی در اشعار سایه.....
۵۴	رمز امید در میدان ناامیدی شعر سیاوش کسرایی.....
۵۴	شعر اجتماعی کسرایی.....
۵۶	نمونه شعر اجتماعی « با دماوند خاموش».....
۵۷	نادرپور، نادر ، صدای رمانتیک.....
	فصل پنجم:انواع تلمیح در آثار (سیاوش کسرایی، هوشنگ ابتهاج، نادر نادر پور،
۵۹	محمد رضا شفیعی کدکنی).....
۵۹	تلمیح در اشعار سیاوش کسرایی.....
۱۰۵	تلمیح در اشعار هوشنگ ابتهاج.....
۱۲۱	تلمیح در اشعار نادر نادرپور.....
۱۳۳	تلمیح در شعرمحمد رضا شفیعی کدکنی.....
۱۴۷	فصل ششم:تحلیل تلمیحات.....
۱۴۷	مقدمه.....
۱۴۸	سیاوش کسرایی.....
۱۵۰	نادر نادرپور.....
۱۵۲	محمد رضا شفیعی کدکنی.....
۱۵۴	نمودارها.....
۱۵۹	نتیجه.....
۱۶۱	منابع.....

تقدیم به

پیشکش به شیفتگان جمال و آشفتهگان جلال؛

تقدیم به پدر عزیزم؛

که خاطره اش را در دفتر سینه ام حک کرده و برای گندمزار یادش؛ چشم هایم، همیشه بارانی است. به او که زمینهٔ تحصیل را برایم فراهم نمود و اسوهٔ صبر و استقامتم در تمام کارها بود.

تقدیم به مادر مهربانم؛

خداوندگار زمینی ام، که هر آن چه دارم مرهون زحمات و فداکاری ایشان است، او که با ندای محبت و عشق، هم چنین با دعای خیر و خالصانه اش همواره بدرقهٔ راهم بود.

تقدیم به همسر عزیزم؛ به پاس قدر دانی از قلبی آکنده از عشق و معرفت که محیطی سرشار از سلامت و امنیت و آرامش برای من فراهم آورده است و در تمام مراحل همراه و یاورم است. عزیزی که تمام دلخوشی من است.

تقدیم به فرزندان عزیزم ستیلا جان و محمد رضا جان؛

که آنها را بسیار دوست می دارم.

در نوشته هایم آن چه را که توانسته ام گفته ام، نه آن چه را که خواسته ام.

تقدیر

ستایش خداوند، بهترین کلامی است که سخن و گفتگو را به آن آغازند و با آن پایان دهند و به نهایت رسانند.

سپاس خداوندی را که زیباست ؛ و هر که به او نزدیک تر... زیباتر... .

با سپاس از

سپاس و تشکر فراوان از صبر و حوصله‌ی خانواده‌ی عزیزم، برادر و خواهر مهربانم، که در طول تحصیل یاور و سنگ صبورم بودند. سپاس و خسته نباشید به همسر عزیزم که یاریم رسانید. بر خود فرض می‌دانم از تمام کسانی که به هر طریقی با بذل محبت خویش مرا یاری رساندند، تشکر کنم و نام عزیز همه‌ی آن‌ها را در جریده‌ی خاطر ثبت است. آری با این آوای خوش، جان

دل

می‌نوازم که

او دعا کرد و خدا حافظ ماست

مدعی گفت خدا حافظ توست

فصل اول

کلیات

مقدمه

در این تحقیق تلاش کردم عنصر «تلمیح» را که یک صنعت بلاغی است در شعر نوجستجو کنم.

تلمیح، یعنی اشاره به داستان، مَثَل، حکایت، شعر و... معروف که شاعر در اشعار خود به آنها اشاره نموده است. اما بسیاری از اشاره‌ها و وقایع در شعر نو که به آن توجه شده، مربوط به جوامع امروزی و نتیجه برخورد مستقیم شاعر با محیط اطراف است. از آنجا که روشن نشدن این وقایع و اتفاقات و یا واژگان موجب در پرده ماندن معنی برای خواننده می شود، آن‌ها را نیز در دایره تلمیح جای داده و به شرح و توضیح آن‌ها پرداخته ام.

شاعران معاصری که در این پایان نامه به بررسی تلمیح در اشعار آن‌ها پرداخته‌ام عبارتند از سیاوش کسرایی، هوشنگ ابتهاج، نادر نادرپور و محمدرضا شفیعی کدکنی. امیدوارم بتوانم کمی از اشاره‌ها و پیچیدگی‌های اشعار این شاعران را بیان کنم و فهم اشعار را برای خوانندگان ساده‌تر نمایم.

شرح و بیان مسأله تحقیق

دنیای درون، دنیایی پیچیده و اسرارآمیز است و پی بردن به آن مشکل. شاعر تجربه فردی را در قالب کلمات بیان می کند و وسیله‌ای جز این در اختیار ندارد، اما آن چه به او کمک می کند، صورت‌های گوناگون خیال است. شاعر آموخته‌های خود را با کمک صور خیال و عواطف خود را از طریق زبان به دیگران منتقل می سازد. شاعر می‌تواند میان طبیعت و انسان پیوندی از نوع ترکیب و تخیل و آموخته‌های مربوط به گذشته برقرار سازد او از آرایه «تلمیح» بهره جسته و به یاری ترفندهای شاعرانه در آفرینش ادبی، ابتکار کرده و ویژگی‌های شعر زمان خود را به تصویر می کشد و خصایص اعتقادی، اسلامی، حماسی، دینی، تاریخی، سیاسی و اجتماعی را بیان می کند.

شعر معاصر به لحاظ فضاهای سیاسی و اجتماعی متنوع و متفاوتی که تجربه کرده، قابل بحث است و شاعران دارای دیدگاه اجتماعی شده اند و شعرشان آینه‌ی اوضاع سیاسی و

اجتماعی شده است و هر کدام برای بیان این موضوع به زبانی دست یافتند و در نتیجه از تلمیحات متنوعی استفاده کرده و بهره جسته اند. بررسی شعر معاصر از این چشم انداز ما را با نتایج و فواید تازه ای مواجه می کند.

نکته مهم در این بخش، پی بردن به جهان فکری هریک از این شعرا و نوع نحوه ی نگرش هر شاعر به جامعه و جهان اطرافش است. می دانیم که آرایه تلمیح با توجه به ظرفیتی که دارد می تواند در اوضاع اجتماعی پریشان و نابسامان، بار معناهای متعددی را بر دوش بکشد. بر همین اساس در این تحقیق می کوشیم با بررسی تلمیح در اشعار این چهار شاعر (سیاوش کسرای، هوشنگ ابتهاج، نادر نادرپور، محمدرضا شفیعی کدکنی) از یک سو تاریخ را در زبان شعر مرور و از سوی دیگر جانب اجتماعی شخصیت هر یک از این شعرا را بررسی کنیم.

فصل دوم

تلمیح (مبانی نظری)

تلمیح در لغت

تلمیح در فرهنگ واژگان زبان عربی مصدر باب «تفعیل» از ریشه «لَمَحَ، يَلْمَحُ، لَمَحًا و لَمَحَانًا» است. این واژه در زبان عربی به معنای نگاه کردن، اشاره کردن، درخشیدن، نظر و نگریستن کوتاه و شتابزده و... به کار رفته است. این لغت در زبان فارسی به معنای نمودن و آشکار کردن، نگاه سبک کردن به سوی چیزی، اشاره کردن به چیزی، نگاه و نظر، خیال و تصور آمده است. (دهخدا، ۱۳۷۷)

«تلمیح» در اصطلاح ادبی آن است که «گوینده در ضمن کلام، به داستانی، مثلی، آیه و حدیثی معروف اشاره کند.» از جمله ی صنایع معنوی بدیعی است که در آن نویسنده یا گوینده در ضمن نوشتار یا گفتار خودش به آیه، حدیث، داستان، یا مثل قرآنی یا [معروفی] اشاره داشته باشد و از طریق ایجاد «تداعی»، تأثیر شعر را بیشتر می کند. بخشی از تلمیح مربوط به اساطیر و شیوه بهره گیری شاعر از آن می شود که از مباحث مورد توجه در نقد شعر است. از آنجا که استفاده از تلمیح نشانه ی وسعت اطلاعات و غنای فرهنگی شاعر است، بر لطف و عمق شعری می افزاید و نوعی موسیقی معنوی ایجاد می کند. (فنون بلاغت و صناعات ادبی، ۱۳۶۸ ۳)

بوی پیراهن گم گشته ی خود می شنوم
گر بگویم همه گویند ضلالی ست قدیم
(سعدی)

این بیت به داستان حضرت یوسف(ع) در قرآن اشاره می کند.

جایگاه تلمیح در علم بلاغت

تلمیح غیر از معنای اصلی آن که در عرصه ی ادبیات است، در عرصه های دیگر مثل موسیقی نیز به کار می رود. نوازنده یا خواننده در جریان بداهه نوازی یا بداهه خوانی به آهنگ های مشهور دیگر اشاره می کند و به این کار نیز می توان تلمیح گفت.

ارزش تلمیح به میزان تداعی بستگی دارد که از آن به دست می‌آید. هر قدر اسطوره‌ها و داستان‌های مورد اشاره لطیف‌تر باشد، تلمیح بلیغ‌تر محسوب می‌شود. لازمه‌ی بهره‌مندی از تلمیح، آگاهی از دانسته‌ای است که شاعر یا نویسنده بدان اشاره می‌کند؛ به همین سبب دریافتن تلمیح‌هایی که یک شاعر ژاپنی در شعر خود آورده، برای خواننده‌ی فارسی زبان دشوار به نظر می‌رسد و همین‌طور بالعکس. تلمیح در شعر فارسی؛ می‌تواند با مراعات نظیر همراه باشد. تلمیح با تضمین تفاوت دارد. (همان ۳۲۸)

یکی از نکاتی که در منابع بلاغی اتفاق نظر در آن نیست، جایگاه تلمیح در چهارچوب بلاغت است. تلمیح گاه نوعی سرقت ادبی— یا دست کم ملحق به بخش سرقات— قلمداد شده است و گاه آرایه و هنر‌سازه. در آثار بلاغی بسته به نوع نگاه مؤلف اصطلاح تلمیح تعریف و تفسیر شده است. در منابع بلاغت عربی تلمیح نوعی سرقت ادبی دانسته شده است.

گفتنی است که مرز مشترک میان تلمیح با تضمین و آرایه‌های زیر مجموعه آن، ورود و حضور یک متن یا بخشی از یک متن در متن حاضر است که می‌تواند در قلمرو تلمیح هم بگنجد، مشروط به این که بخش واردشده زیرساخت داستانی داشته باشد و با ارجاع گذرا، اصل متن را تداعی کند. به عبارت دیگر، میان تلمیح با تضمین و دیگر آرایه‌های پیوسته بدان، عموم و خصوص من‌وجه برقرار است. در دو بیت زیر، اقتباس از دو تعبیر قرآنی شده است که در بیت نخست بخش اقتباس شده داستانی قرآنی را تداعی کرده است و تلمیح در آن برجسته‌تر شده است، اما در بیت دوم تنها اقتباس مشهود است با تو آن عهد که در وادی ایمن بستیم همچو موسی ارنی گوی به میقات بریم (حافظ، ۱۳۸۷ ۴۳۳)

می‌خور به بانگ چنگ و مخور غصّه و کسی گوید ترا که باده مخور گو هُوَ الْغُفُور (همان ۳۲۷)

در بیت نخست، بخش اقتباس شده از قرآن به داستان حضرت موسی (ع) در آیه ۱۴۳ سوره الاعراف اشاره دارد و کل آن قصه‌ی قرآنی را تداعی می‌کند، اما در بیت دوم تعبیر «هو الغفور» اقتباس از آیه ۵۳ سوره الزمر است و ژرف‌ساخت داستانی ندارد. تلمیح به این معنی است که در شعر به داستانی اشاره شود که معروف است و همه آن را شنیده‌اند.

تلمیح از لحاظ ساختار هم دارا «تشبیه» است و هم می‌توان در آن «تناسب» دید. تلمیح دارای «تشبیه» است زیرا بین مطلب و داستان مورد نظر تشبیهی ایجاد می‌کند و از طرفی بین اجزای خود داستان هم تناسب وجود دارد. مثال بیستون‌کندن فرهاد نه کاری است شگفت شور شیرین به سر هر که فتد کوهکن است «همای شیرازی»

در بیت بالا بین این مطلب «شور شیرین به سر هر که فتد کوهکن است» تشبیهی ایجاد شده است و از طرفی بین «بیستون، فرهاد، کوهکن و شیرین» هم مراعات نظیر وجود دارد.

تلمیح در ادب فارسی

در ادب فارسی، تلمیح را نوعی از ایجاد؛ یعنی دلالت الفاظ اندک بر معانی بسیار دانسته‌اند. توضیح آنکه گاه شاعر ضمن اشاره‌ای مختصر به روایتی یا داستانی، مطالب بسیاری را به ذهن مخاطب متبادر می‌سازد و به همین سبب استفاده از این آرایه، همواره در ادب فارسی دارای بسامدی درخور توجه بوده است. صنعت تلمیح معمولاً بر دو ژرف ساخت تشبیه و تناسب مبتنی است، زیرا اولاً ایجاد رابطه تشبیهی میان منظور گوینده و مطلب مورد تلمیح در نظر است و ثانیاً میان اجزاء موضوع تلمیح تناسب وجود دارد. (المعجم، ۱۳۸۸، ۳۲۵ به نقل از پایگاه مجلات تخصصی نور)

اقسام تلمیح

تلمیحات اسلامی (دینی)

در دوره‌ها و سبک‌های گوناگون شعر فارسی، تلمیحات اسلامی با بسامد متفاوتی آمده‌اند. در شعر شاعرانی چون سنایی و عطار و مولانا، بیشترین و نیکوترین تلمیحات اسلامی را می‌توان یافت. در سبک هندی، کاربرد تلمیحات اسلامی هم چنان رونق داشت. در دوره بازگشت ادبی کاربرد آن کم شد. در شعر نو تلمیحات اسلامی کمتر دیده می‌شود.

از قرن ششم به‌علاوه رواج تحصیلاتی که عمدتاً مبتنی بر تفسیر و علوم دینی بود، کاربرد تلمیحات اسلامی به اوج رسید، به طوری که انوری (متوفی ۵۸۳) قصیده‌ای دارد که در تمام ابیات آن صنعت تلمیح با مضامین اسلامی به کار رفته است.

تلمیحات اسلامی در ادب فارسی عمدتاً اشاره دارد به احوال و اقوال پیامبر اکرم (ص) به‌خصوص معراج آن حضرت، احوال و اقوال حضرت علی (ع) و خلفا، رویدادهای مهمی چون واقعه کربلا، داستان‌های قرآنی درباره سرگذشت پیامبران مانند حضرت آدم و هبوط او، حضرت نوح و طوفان زمان او، حضرت ابراهیم و گلستان شدن آتش بر او، داستان یوسف و زلیخا، تولد حضرت موسی و به آب انداختن او، حضرت موسی و کوه طور، داستان خضر و آب حیات، حضرت سلیمان و مور، حضرت عیسی و سخن گفتن او در گهواره و نفس حیات بخش او (چهره مسیح در ادبیات فارسی، ۱۳۷۸) داستان قارون، اصحاب کهف و داستان آفرینش (المعجم، ۱۳۸۸، ۳۲۶ به نقل از مقاله، پایگاه مجلات تخصصی نور)